**نام مقاله: بررسي كشف‌المطالب منسوب به اعتماد‌السلطنه و ديگر ابزارهــاي بازيابي اطلاعــات در يك نسخــه قــرآن**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 31 \_ شماره سوم، جلد 8**

**پديدآور: مرتضي كوكبي**

**چكيده**

**بازيابي هر چه سريع‌تر و دقيق‌تر اطلاعات، آرمان بزرگ همه كتابداران است. براي دسترسي به اين آرمان، ابزارهايي توسط كتابداران به وجود آمده كه نمايه‌ها نمونه‌هايي از آن‌ها هستند. نمايه‌ها كه اكنون به كمك كامپيوتر حالت پيشرفته‌اي يافته‌اند در سنّت كتابشناسي و كتابداري شرقي متأثّر از اسلام، داراي قدمت هستند و حتّي نمونه‌هايي پيشرفته از آن‌ها با عناوين كشف‌المطالب، كشف‌الآيات و غيره كه به دليل جايگاه والاي قرآن در جوامع اسلامي به وجود آمده‌اند سال‌هاست كه مورد استفاده قرار مي‌گيرند. آن چه كه در زير مي‌آيد بررسي نمايه‌ها و جدول‌هاي قرآني متعلّق به سال 1313 است كه در زمان ناصرالدين‌شاه قاجار توسط محمد‌خان‌صنيع‌الدوله (اعتماد‌السلطنه) چاپ شده. هدف اين نوشته ضمن بررسي انتقادي كلّية جدول‌هاي مندرج در اين قرآن، نشان دادن اين نكته است كه آن‌جا كه علاقه و اهميت به هر دليلي مطرح بوده، آن‌چنان كه در مورد قرآن مطرح بوده و هست ابزارهاي بازيابي بسيار پيشرفته‌اي در شرايطي به وجود آمده‌اند كه حتّي شايد تصوري نيز دربارة فناوري‌هاي پيشرفتة كنوني وجود نداشته است.**

**كليد‌واژه‌ها: قرآن، كشف‌المطالب، كشف‌الآيات، اعتماد‌السلطنه**

**مقدمه**

قرآني كه در اين نوشته مورد بررسي قرار خواهد گرفت با «كلام حضرت عزّت در عهد دولت … ناصرالدين شاه قاجار… و اين بندة دركاه عبدالباقي‌بن‌احمد‌بن‌تفرشي به حلية طبع» رسانيده شده است. در انتهاي صفحة ماقبل آخر، اين جمله به چشم مي‌خورد: «بتوفيق‌ الله و حسن تأييده اين نسخة شريفة كشف‌الآيات در عشر ثاني شهر شعبان المعظّم سنه 1313 شرف اختتام پذيرفت…» كه نشان مي‌دهد تاريخ چاپ اين نسخه به همان سال برمي‌گردد. چاپ كتاب، به نظر سنگي مي‌آيد و نوشتة آن، دستنويس است. هر چند آن چه كه در اين نوشته بيشتر مورد بررسي قرار مي‌گيرد جدول‌هاي كشف‌المطالب و كشف‌الآيات و غيره است، اما به دليل اين كه نگارندة متن حاضر ناچار است در مواردي براي توضيح جدول‌ها به خود متن كتاب استناد نمايد، توضيحاتي دربارة اين متن، ضروري به نظر مي‌رسد: همانند سبك نگارش آن عصر، حرف «گ» در همه جا «ك» نوشته شده است. مثلاً در اولين نقل قول بالا، كلمة «بارگاه»، «باركاه» نوشته شده است. در فهرست كشف‌المطالب، مدخل‌‌هايي كه با حرف پ آغاز مي‌شوند تحت حرف «بآء فارسي» آمده‌اند. در اين فهرست، حروف «چ» و «ژ» وجود ندارند و مدخل‌هايي كه با حرف «گ» آغاز مي‌شوند تحت حرف «الگاف ف» (حرف «ف» دوم به معناي «فارسي») آمده و همگي با حرف «ك» شروع شده‌اند. بنابراين، در نقل قول‌هاي مستقيمي كه در اين نوشته خواهند آمد كلماتي كه با اين حروف نوشته شده‌اند در قلّاب، تصحيح نخواهند شد.

حرف «آ» نيز بسيار به ندرت به كار برده شده؛ مثلاً «قرآن» همواره «قران» (با الف مقصوره) آمده است.

از آن جا كه متن، مربوط به بيش از يك قرن پيش مي‌باشد، يا شايد به دليل اين كه مربوط به قرآن است، در آن از علامات اعراب، بسيار استفاده شده؛ بديهي است كه به كار بردن اين نشانه‌ها در نقل قول‌ها كاري بسيار دشوار است.

به دليل قديمي بودن متن، كلمات بعضاً به طرز غير عادي به هم چسبيده‌اند و خواندن متن را اندكي دشوار مي‌سازند. استفادة فراوان از كلمات عربي نيز بر دشواري متن افزده است. بنابراين، هر چند كه تلاش مي‌شود تا حد ممكن در نقل قول‌ها پايبندي به كلمات و نشانه‌ها رعايت شود، اما رعايت اعراب به همان اندازة متن اصلي، و نيز تصحيح حروف «پ» و «گ» ممكن نيست و نگارنده اميدوار است با اين توضيحات، از اتّهام عدم رعايت امانت در نقل قول‌ها مبرّا شود.

**توضيح ديباچه دربارة كشف‌المطالب و چگونگي كار با آن**

در صفحة دوم از ديباچة كتاب دربارة چگونگي پديد آمدن كشف‌المطالب اين نسخه از قرآن، توضيحاتي آمده كه ذكر آن در اين جا لازم به نظر مي‌رسد:

روزي در محضر …. حاجي عليخان اعتمادالسّلطنه محمد حسن خان اعتماد السلطنه وزير انطباعات و دارالترجمة خاصة همايوني و غيرها دامت افاضته از سور و ايات مباركات قراني و صور و معاني ان سخن ميرفت كفتند مردم مغرب زمين خاصه حكماء فرنك كه امروز بخواست خدا چراغ عقلشان روشن شده و مشام فضلشان بفوايح روايح معارف معطر كشته از كتاب مسطور جلّت كلمته بانحاء مختلفه بهره ميبرند و از اين خوان نعمت مائده‌ها ميخورند كه ذائقة ما مسلمانان كه اولي به انيم كمتر چشيده و نادر در ان الاء الهيّه ديده از جمله چون ايات بيّنات قران مشتمل بر تمام مطالب لاهوتي و جبروتي و ملكوتي و ناسوتي است انها ايه‌هاي شريفة متعلّقة بيك مطلب و موضوع را كه هر ايه در موضع و سورة ذكر شده يكجا جمع كرده و فصول و ابوابي ترتيب داده از اين راه فائدة كلّي از كتاب الله حاصل ميكنند مثلاً شخص مي‌خواهد بداند چند ايه در موعظه و حكمت بفنونها يا در تاريخ و قصص بغصونها از ذكر انبياء و فرستادكان حضرت كبرياء سلام‌ الله عليهم و حكماء و ملوك و غير هم همچنين در احكام اصول و فروع دين از قبيل صموم و صلوة و زكوة و فلان و فلان در كلام نظام معجز ملك علّام است فوراً از روي فهرست باب و فصل متعلّق به مطلب و موضوع منظور خود را پيدا مي‌كنند و هر چه ايه در ان باب هست اناً قراءت مي‌نمايد و مقصودي كه دارد حاصل مي‌شود جمعي متأسف شدند كه واقعي ما مسلمانان كه قران كتاب ديني ما است چرا چنين كاري نكرده‌ايم و اسباب اين سهولت و فائده را فراهم نياورده‌ايم ما اكر بخواهيم بدانيم چند اية مباركه در باب حجّ در قرانست جز اينكه از اول تا آخر را قراءت كنيم دسترس به اين معلوم نداريم پس جاي ان دارد كه بكوئيم اهمال كار و شرمساريم.

جناب مستطاب اجلّ معظّم دام اقباله فرمودند من اين كار از روي ترتيب يكي از علماء مغرب مي‌ساختم و انساخته را مي‌پرداختم فهرست و جدولي ترتيب ميدادم و در ان باز مينمودم كه در باب هر مطلب و موضوع چند ايه شرف نزول ارزاني داشته و هر ايه در كدام سوره است تا به اساني همه كس بداند اية چندم از سورة چندم در باب صوم است و اية فلان در سورة فلان در صلوة و قس علي ذلك خمس و ذكوة و حج و جهاد و اخلاق و احكام و غيرها في‌الحقيقه كشف‌المطالبي براي قران مجيد و كتاب كريم ترتيب ميدادم اكر از طعن طاعن و لوم لائن ايمن بودم حاضرين كفتند شما كه در قران چيزي كم و زياد نميكنيد اگر كسي اسباب تسهيل پيدا كردن ايه يا سوره يا مطلبي از قران را فراهم اورد كناهي نكرده و كار خلاف شرعي مرتكب نشده البته از اين كار تن نزنيد كه نفع ان عظيم است كشف‌المطالب براي كلام ملك علّام نوشتن بهر نحو كه باشد نه بدعت است نه ضلالت نه كفر نه جهالت جناب جلالت ماب معظّم اعتماد السلطنه زاد توفيقاته دامن همت بر كمر زده اين كار بزرك كردند و كوي سعادتي از ميدان بردند و اين اثر جليل را بر ساير مأثر فاخرة عهد فيروزي مهد همايون… ضميمه كردند و چون حاضر و اماده شد و كاردانان ديدند اين مجموعه مجموعة فوائد است و سفينه و كنجينة موائد و عوائد موفّق به توفيق سبحاني و مؤيّد به تأييد ربّاني سر كار جلالت آثار معتمد السّلطان اقاي ميرزا عبدالباقي خان سرهنك و فرّاشخلوت همايوني ابن مرحمت و غفران پناه ميرزا احمد تفرشي وفّقه‌ الله لمرضاته قراني با كشف‌لآايات طبع نمودند و ان كشف‌المطالب را هم بر ان افزودند و راه اين سعادترا بپاي خلوص و عقيدت پيمودند.

آن‌گونه كه از عبارات بالا بر مي‌آيد شخصيتي كه مسئوليت تهية كشف‌المطالب را بر عهده مي‌گيرد كسي نيست جز «محمد حسن خان اعتماد‌السلطنه» وزير انطباعات دربار ناصر‌الدين‌شاه كه به نوشتة فرهنگ معين داراي تأليفات متعددي نيز بوده است (معين، 1362. ج. 5). همچنين از سخنان «اعتماد‌السلطنه» چنين بر مي‌آيد كه پيش از او چنين كشف‌المطالبي در ايران وجود نداشته و او به پيشنهاد كساني كه نام همة آن‌ها در ديباچة قرآن برده نشده مسئوليت تهية كشف‌المطالب را بر مبناي «ترتيب يكي از علماء مغرب زمين» به عهده گرفته و تصميم داشته كه آن ساخته را بپردازد و براي آن، فهرست و جدولي ترتيب دهد. به اين ترتيب شايد «اعتماد‌السلطنه» را بتوان نخستين مبدع كشف‌المطالب، حداقل از اين نوع به حساب آورد.

روش استفاده از كشف‌المطالب هم در همان ديباچه به شرح زير توصيف شده است:

اينك براي توضيح كوئيم هر كس بخواهد از اين كشف‌المطالب منتفع و محتظي كردد راه ان چيست و مفتاح ان كدام است.

مثلاً مي‌خواهيم بدانيم چند اية مباركه راجع بوجود و صفات و اسماء حضرت باريتعالي يعني علم الهيّات اخصّ كه علم به لاهوت و جبر‌و تست نازل شده رجوع مي‌كنيم به فهرست در انجا مينويسد باب اول در وجود و صفات و اسماء باريتعالي يعني علم الهيّات اخصّ كه علم بلاهوت و جبر‌و تست بر بيست فصل و هزار و صد و چهار ده ايه فصل اول ذكر وجود باري جل ذكره بيست و پنج ايه و بايد دانست كه جدول اول از جداولي كه نمونة ان در حاشيه ساخته شده مخصوص اسامي سور مباركه است و سه جدول ديكر‌كه در يسار ان رسم شده عدد ايات باهراتست و هر اية كه صدر ان شامل مطلب منظور است حرف (ص) جلو عدد نوشته شده و اكر وسط ايه دلالت دارد حرف (و) بر عدد مقدم است و اكر ذيل ايه دالّ بر انست حرف (ذ) مسطور است و بر اين قياس است باقي …. مخفي نماند كه اين كشف‌المطالب را فهرستي است از روي حروف تهجّي كه هر مطلب را در اين كشف‌المطالب بخواهند پيدا كنند از روي ان فهرست پيدا مي‌كنند مثلاً هر وقت بخواهند بدانند ذكر حضرت نوح در كدام صفحه شده رجوع به حرف ن مينمايند مقصود حاصل ميشود.

در سطور بعدي دربارة جدول‌هاي اين كشف‌المطالب توضيح داده خواهد شد. اما پيش از آن بجا است چگونگي اعلام حقّ مؤلف نيز در اين ديباچه بررسي شود:

… نيز پوشيده نباشد كه حقّ طبع اين مجموعة مباركه تا بيست سال مخصوص سرهنك مشاراليه است و احدي اذن ندارد كه به اين كار اقدام كند و هر كس جسارت نمايد از طرف وزارت جليلة انطباعات مورد مؤاخذة سخت خواهد بود و اكر كسي در بلاد خارجه اينكار كند به لعن خدا و نفرين انبياء و ملائكه كرفتار شود چه ستم بر باني اين بناي رفيع كرده است و انچه برده از راه ظلم برده الا لعنة الله علي القوم الظالمين والسّلام.

جدولي كه در بالا مورد اشاره قرارگرفته و در حاشيه ساخته شده به شرح زير است:

سور         آيات

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| رعد13 | ص160 | و 107 | ذ 16 |
| حج22 | ذ 18 | ص19 | و 20 |

نخستين نكته‌اي كه دربارة اين نمونه از جدول بايد ارائه كرد اين است كه رديف اوّل جدول، اشتباه است؛ مانند رديف دوّم جدول، در رديف اوّل، آيه‌ها بايد از سمت راست به چپ، به ترتيب از كم به زياد مرتّب شوند. دومين نكته اين است كه در جدول كشف‌المطالب اصلي هميشه از حروف «ص» و «و»، و «ذ» استفاده نشده است. جدولي كه نمونة آن در بالا آمده، در 47 صفحه با عنوان جدول سوّم كشف‌المطالب آمده است. جدول اوّل كشف‌المطالب با عنوان «فهرست ابواب و تعداد فصول كشف‌المطالب» جدولي است يك صفحه‌اي كه داراي چهار ستون و بيست رديف است. در زير، بخشي از جدول به نمايش گذاشته مي‌شود:

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
|   | بسم‌ اللّه الرحمن الرحيم |   |   |
| **عدد** | **ابواب** | **صفحات** | **فصول** |
| 1 | در وجود و صفات و اسماء حضرت باريتعالي  | 1 | بيست فصل |
| 2 | ذكر خصايص حضرت رسول اللّه صلّي اللّه عليه و آله | 6 | نه فصل |
| … | … | … | … |

در جدول بالا، «عدد» به معناي رديف است. «ابواب» به باب‌هايي كه در جدول سوّم

يا جدول اصلي آمده‌اند اشاره دارد و «فصول» نشان مي‌دهد كه مثلاً در باب مربوط به «در وجود و صفات و اسماء حضرت باريتعالي» بيست فصل وجود دارد و در باب «ذكر خصايص حضرت …» نُه فصل به اين مطلب اختصاص داده شده. «صفحات» نيز نشان‌دهندة صفحه‌اي است كه در آن، يك باب آغاز شده است. به اين ترتيب مشخص مي‌شود كه يكي از راه‌هاي يافتن اطلاعات از كشف‌المطالب، جستجوي موضوعي به وسيلة شاخص كلّي «باب» در جدول بالا است. در اين جدول، هجده باب وجود دارد.

جدول دوّم مربوط به كشف‌المطالب، جدول «فهرست كشف‌المطالب بترتيب حروف تهجّي» است. اين جدول داراي شش صفحه و هر صفحة آن داراي چهار ستون دوتايي است. هر يك از ستون‌هاي چهارگانه از دو ستون تشكيل شده كه عبارت‌اند از: «مطالب» و «صفحات». بخشي از ابتداي اين جدول به شكل زير است:

**فهرست كشف‌المطالب به ترتيب حروف تهجّي**

|  |  |
| --- | --- |
| **مطالب** | **صفحات** |
| آدم | 14 |
| آدميّت | 4139 |
| ازادكي | 39 |
| ازار | 40 |
| … | … |

شايان ذكر است كه در اين جدول از نوعي ارجاع «نگاه كنيد به» استفاده شده است. در حاشية سمت راست و بالاي اوّلّين ستون دو ستوني، نوشته‌اي در قالبي لوزي شكل وجود دارد كه محتواي آن چنين است: «بدان كه مطالبي كه فصل و باب ندارد بمناسبت مقام در ضمن مطالب مبوتة ] ؟ [ ديگر ذكر شده مثل فيل و ابرهه در ابابيل و امام در ابراهيم». اين ارجاعات در جدول فوق به صورت جدول صفحه بعد است:

|  |  |
| --- | --- |
| **مطالب** | **صفحات** |
| ابرهه | در ابابيل |
| ... | … |
| امام | در ابراهيم |
| … | … |
| فيل | در ابابيل |

در مواردي در اين ارجاعات، از حرف اضافة «در» استفاده نشده است؛ مانند:

بابل                                 سحر

برقع و خمر                       زنان

ترك محاربه                      ماه حرام

جالوت                              داود

جامع                                مساجد

و غيره كه به نظر نمي‌رسد اشكالي جدّي در بازيابي اطّلاعات ايجاد كند.

جدول دوّم مي‌تواند بازيابي اطّلاعات را به صورتي اخصّ از جدول اوّل انجام دهد و به نظر مي‌رسد براي كساني كه داراي تخصّص موضوعي لازم براي استفاده از جدول اوّل نيستند، كاربرد دارد. جدول اوّل را مي‌توان با فهرست مندرجات يك كتاب و جدول دوّم را با نماية انتهايي همان كتاب مقايسه كرد. جدول سوّم يا جدول اصلي كشف‌المطالب در هر يك از 47 صفحة خود داراي سه ستون مجزّا است كه هر يك از اين ستون‌ها به نوبة خود داراي چهار ستون هستند. در اين ستون‌ها، ابوابي به شرحي كه در جدول يك آمده وجود دارند و در زير هر باب، محتواي موضوعي‌ آن باب و تعداد فصول و نيز تعداد آيه‌هاي موجود در آن باب ذكر شده است. بخشي از ابتداي يك ستون چهارستوني در جدول سوّم، در صفحه بعد آمده است:

**شكل 1.كشف‌المطالب**

**­­­­**

|  |  |
| --- | --- |
| **ســـور** | **ايــات** |
|   | **بــاب اوّل** |
|   | در وجود و صفات و اسماء حضرت باري تعالي يعني علم الهيّات اخصّ كه علم بلاهوت و جبروتست |
|   | مشتمل بر بيست فصل و هزار و صد و چهارده ايه |
|   | فصل اوّل |
|   | ذكر وجود حضرت باري جلّ ذكره بيست و پنج ايه |
| رعد 13 | 2 | 3 | 4 |
| حج 22 | ص 18 |   |   |
| … | … | … | … |
|   | **فصــل دوّم** |
|   | در وحدت باري عزّ اسمه صد و هشتاد ايه |
| بقره 2 | 110                       160 | 111                      206 | 158 |
| آل عمران 3 | 1 | 4 | 16 |
|   | **فصــل سيّم** |
|   | در صفات جماليّه و جلاليّه پرودكار جلّ جلاله |
| بروج 85 | 14 |   |   |
| آل‌عمران 3 | 47 |   |   |
| … | … | … | … |

اگر چه تلاش شده كه در ستون اوّل از سمت راست، سوره‌ها به ترتيب توالي آن‌ها در قرآن ارائه شوند، امّا روشن نيست چرا برخي اوقات اين نظم رعايت نشده است. مثلاً در فصل سوّم، سورة بروج كه سورة هشتاد و پنجم است پيش از آل‌عمران كه سورة سوّم مي‌باشد آمده است. همچنين مقايسة اين جدول با متن قرآن، نشان مي‌دهد كه در مواردي در تعيين صفحات مربوط، اشتباهاتي ولو اندك رخ داده است.

**بررسي جدول‌هاي ديگر مندرج در اين قرآن**

اگر چه هدف اصلي اين نوشته، بررسي كشف‌المطالب منسوب به «اعتماد السّلطنه» است، امّا بررسي جدول‌هاي ديگري كه در اين قرآن وجود دارند، بويژه كشف‌الآيات آن كه نكاتي مربوط به مهار واژگان و برگه‌آرايي در آن رعايت شده، مي‌تواند سودمند باشد. در زير، اين جدول‌ها به ترتيب ارائه در قرآن و به طور مختصر توضيح داده مي‌شوند.

جدولي كه بلافاصله پس از كشف‌المطالب آمده، جدولي است با عنوان «فهرست سور قراني و مورد نزول و ترتيب ان و عدد ايات و كلمات و حروف سور بنهج تحقيق و تدقيق در اين صفحات مسطور و ومجدول است». اين جدول در سه صفحه آمده و هر صفحة آن شامل دو جدول شش ستوني است. در زير بخشي از اين جدول به نمايش گذاشته مي‌شود:

**شكل 2. فهرست سور قراني و مورد نزول و ترتيب آن و عدد آيات و كلمات و حروف سور بنهج تحقيق و تدقيق**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **السّوره** | **المكّي و المدني** | **الايات** | **الكلمات** | **الحروف** | **النّزول** |
| فاتحة الكتاب1 | ك م | 7 | 25 | 123 | فاتحه بعدها بقره |
| سورة البقره2 | م | ف 286ب 278 | 6121 | 205500 | الانفال ثمّ |
| … | … | … | … | … | … |
| سورة الانعام 6 | بين المدنيّين | ف 165ب 166 | 3053 | 12422 | الصّافات ثمّ |
| … | … | … | … | … | … |
| سورة الرّعد 13 | ك و قيل م | ف 43ب 45 | 705 | 3506 | الانبياء ثمّ |
| … | … | … | … | … | … |
| سورة النّاس 114 | ك | 6 | 20 | 80 |   |

جدول بالا ترتيب نزول آيات قرآني و تعداد آيات، كلمات، و حروف هر سوره را نشان مي‌دهد. آخرين ستون هر رديف نشان مي‌دهد كه كدام سوره، پس از سورة مورد اشاره در آن رديف، آورده شده است. در ستون دوّم، مكّي و مدني بودن هر سوره مشخّص شده و سورة «الانعام»، ظاهراً بين دو شهر مكّه و مدينه نازل شده و سورة «الرّعد»‌ مكّي است امّا همچنين گفته مي‌شود كه مدني است (« و قيل» در عربي به معناي «و گفته مي‌شود» است). به اين ترتيب، سورة «النّاس» كه سورة صد و چهاردهم قرآن است، آخرين سورة قرآن به شمار مي‌رود.

جدول بعدي، جدول فهرست سور است كه در حقيقت، فهرست مندرجات اين قرآن است. اين جدول در دو صفحه قرار دارد و هر صف‍حة آن از دو ستون تشكيل شده و هر يك از اين دو ستون به نوبة خود به پنج ستون تقسيم شده. بخشي از اين جدول به صورت زير است:

|  |
| --- |
| بسم اللّه الرحمن الرّحيم |
| **فهرست سور** |
| **عدد سور** | **اسماء سور** | **عدد ايات سور** | **مورد نزول** | **عدد صفحات** |
| 1 | فاتحة الكتاب | 7 | مدنيّه | 1 |
| 2 | البقره | 286 | مدنيّه | 2 |
| 3 | آل عمران | 200 | مدنيّه | 53 |
| … | … | … | … | … |
| 114 | النّاس | 6 | مكّيه | 434 |

در جدول بالا، «عدد سور»، رديف و «عدد صفحات»، شمارة صفحه‌اي است كه هر سوره درآن آغاز شده است. تفاوت اين جدول با جدول پيشين در اين است كه جدول پيشين، سوره‌ها را به ترتيب نزول آن‌ها مرتّب كرده، ولي اين جدول آن‌ها را به همان ترتيبي كه در قرآن‌هاي كنوني يافت مي‌شوند ارائه كرده است. همچنين، اين جدول در مورد تعداد آيات سوره‌ها و محلّ نزول آيات، نسبت به جدول پيشين از قطعيـّت بيشتري برخوردار است.

در پايين حاشية چپ صفحة دوّم اين جدول، جدول كوچكي كه به طور ناقص چاپ شده است تعداد آيه‌ها و سوره‌هاي قرآن را همراه با مجموع آن‌ها نشان مي‌دهد. اين جدول بدين شرح است:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **آيات** | **اعلان** | **سور** |
| 47481488 | مكّيّاتمدنيّات | 9519 |
| 4236 | جملتان | 114 |

شايان ذكر است كه تعداد آيه‌هاي مكّي و مدني كه در جدول بالا ذكر شده با جدول اصلي نمي‌خواند. كلمة «جملتان» به معناي «جمع كل» است.

آخرين جدول در اين گروه جدولي است كه درآن، بيست و سه سال بعثت پيامبر اسلام به تفكيك هر سال ارائه شده. سال‌ها به مكّي و مدني تقسيم شده‌اند، نام هر سال ذكر شده و سوره‌هاي نازل‌شده در هر سال، به ترتيب، نام برده شده اند. اين جدول در يك صفحه ارائه شده و داراي پنج ستون است. بخشي از اين جدول در زير ارائه مي‌شود:

|  |
| --- |
| مخفي نماناد چون در مدّت بيست و سه سال از ابتداء بعثت سيّد ابرار تا وفات ان بزركوار قرآن عظيم الشّأن نازل شده و ان حضرت سيزده سال از اين مدّت را در مكّة معظمّه و ده سال را در مدينة منوّره تشريف داشته سوري كه در مكّه نازل شده سور مكّيّه و سوريكه در مدينه شرف نزول يافته سور مدنيّه گفته‌اند و هر يك از سنوات مكّيّه و مدنيّه را اسمي مخصوص و نزول سور را در اين سنوات ترتيبي معيّن است كه در ذيل اين صفحه ذكر شده**اسماء سنوات مكّيّه                                                       سور مكّيّه**  |
| سال اوّل سنة افتتاحيّه | (فاتحه) (ناس) (فلق) (اخلاص) (تبّت) (نصر) (كافرون) (كوثر) (ماعون) (قريش) (الفيل) (همزه) (العصر) (تكاثر) (قارعه) (عاديات) (زلزال) (فلق) (تين) (انشراح) (ضحي) (ليل) (شمس) (بلد) (فجر) (غاشيه) |
| … | … |
| … | … |
| سال سيزدهم سنة هوديه | (هود) (يونس) (اعراف) (انعام) |

نظير همين جدول در نيمة دوّم همان صفحه وجود دارد كه سوره‌هاي مدني را با همان ترتيب بالا ارائه كرده است:

|  |
| --- |
| **اسماء سنوات مدنيّه                                          سور مدنيّه** |
| سال اوّل سنة هجريّه | (قدر) (تغابن) (منافقون) (جمعه) |
| … | … |
| … | … |
| سال دهم سنة وداعيّه | (آل عمران) (مآئده) |

در كنار هر سال و در انتهاي رديف مربوط، تعداد سوره‌هاي نازل شده در آن سال در خارج از جدول نوشته شده. امّا معلوم نيست چرا تعداد سوره‌ها در اين جدول، 113 است.

**كشف‌الآيات**

كشف‌الآيات اين قرآن در 128 صفحه ارائه شده كه صفحة اوّل از اين تعداد، به «مفتاح كشف‌الآيات و قواعد آن»‌ اختصاص دارد. در زير، بخش‌هايي از اين مفتاح عيناً نقل مي‌شود تا نكات كتابدارانة آن براي خوانندگان روشن شود.

**مفتاح كشف‌الآيات و قواعد آن**

بسم اللّه الرّحمن الرّحيم

… امّا بعد بايد دانست كه اعداد فارسي صريح عدد سور قرانست و ارقام هندسة بعد از ان عدد ايات ان سوره است و ذكر عدد هر يك از ايه و سوره به ترتيب و نظم طبيعي است و در وضع و ترتيب كلمات صورت ظاهر ان ملحوظ نشده بلكه مادّة انرا بطريقي كه در كتاب لغت است مراعات نموده **امّا قاعده و ترتيب** ان اولاً بايد دانست كه صورت ظاهري كلمات ملحوظ نشده بلكه موادّ ان بطريق كتب لغه ملاحظه شده پس هركاه حرف اوّل مادّة كلمه همزه باشد انرا در باب الألف رجوع نمايند و اكر حرف اوّل باء باشد در باب البآء و هكذا در حروف دوّم و سيّم كلمة هم بر ترتيب حروف تهجّي رعايت شده و جميع حروفي كه به تنهائي ذكر نمي‌شود ضبط شده ليكن متّصل به كلماتي ديكر تا اينكه معاني كه متعلّقند باتّصال اين حروف بسهولت درك شود مثل **ف ووول** و امثالان و همچنين حروف منفصل جميعاَ جدگانه ضبط شده و چيزي از انچه در قران مجيد است در اين كتاب ترك و فروكذار نشده و اسمآء غير منصرف كه اسمآء چنديست كه حالت جرّي مانند حالت نصبي است مثل ادم و ابراهيم و اسمعيل اشاره بحالت جرّي شده و تميز ميانة هر دو حالت داده شده و اعراب اسمهاي مقصوره مثل الهدي و الموتي تميز داده نشده و در تحت يك صورة رسم شده و سائر اسامي مخصوصة مركّبه مثل ابولهب و ذي‌القرنين هر يك از جزئين جداكانه در محلّ خود ذكر شده مثلاً ابو را در اب و لهب را در لهب طلب نمايند و ترتيب در افعال و اسمائيكه بانها ضمائر متّصل شده‌اند ملحوظ حال صورت فعل و هيئات مختلفة ان و اعراب و حركات اسم است و در ترتيب حركات و اعراب اول رفع پس از ان جر پس از ان نصب ذكر مي‌شود و ضمير متكلّم قبل از ضمير مخاطب و ضمير غائب بعد از مخاطب ذكر مي‌شود و بجهت اهتمام در رعايت ترتيب حروف تهجّي در كتب لغة در اين كتاب هم حروف متّصله با‌وائل كلمات مانند همزه و فاء ولام و واو بترتيب حروف تهجّي ايراد شده و هم چنين از حروف متصله جارّه و غير جارّه مانند همزه و فآ و لام بترتيب ذكر شده مثلاً در كلمة انتم اوّل انتم ذكر ميشود پس از ان فانتم پس از ان لانتم پس از ان و انتم و حروف جارّه منفصله مانند علي و عن و في و من در عليه و عنه و فيه و منه كه متّصل شده‌اند بضمائر بهمان ترتيبي كه در ضمائر ذكر شده ايراد ميشود **و امّا اسمائيكه بانها ملحق شده است** يآء متكلّم مانند ابي و اجري و اخي و اسمائيكه اين يآء جزء او است و وضوح دارد كه ياء جزء او است مانند كلمة الّتي و الّذي و ادري تميز مابين اين دو قسم از ياء داده نشده **بجهة** احتراز از تطويل و اينكه حجم كتاب زياده از حدّ اعتدال نشود **و** **حروف نفي** مانند لا و لم هركاه مركّب با حرف استفهام شوند مانند الا افلم اولم بسبب اين نحو از تركيب در حرف الف ضبط شده و در كتب لغت نيز اين نظم پسنديده است و صورت كلمة من كه ميتواند كه استفهاميّه باشد يا موصوله ميان اين دو حالت نيز تميز نيافته و يكسان است جميع صور ان **و امّا** صورت ما كه ميتواند كه نافيه باشد و ميتواند موصوله باشد تميز هر يك جداكانه داده شده و همين تميز در صورتيكه مركّب شده باشند با كلمه و حروف ديگر مثل و ما و فما نيز داده شده و كلمات مركّبه كه حرفي از اخر جزء دوّم حذف شده باشد مثل ممّ و عمّ و لم در باب غير محذوف ان ذكر شده يعني در ممّا و عمّا و لما **و هركاه** كلمة در ايه زياده از يكي باشد پس اگر در دو موضع ايه باشد بحرف م كه علامه مكرّر است يا بلفظ مكرّر اداء ميشود و اگر در سه موضع از ايه باشد بعلامه]  اين نشانه را نمي‌توان توليد كرد. نگارنده[   يعني مكرّر سه دفعه و بر همين قياس تا مي كه علامه مكّرر بودن ده دفعه است و چون از ده بكذرد بلفظ صريح نوشته خواهد شد مثل اينكه مكرّر يازده مرتبه يا دوازده مرتبه و اين در‌ قران بسيار نادر است **و هركاه** كلمه مشترك باشد ميان علم و غيرعلم مثل لفظ صالح كه هم علم است و نام پيغمبرايست و اسم فاعل و وصف است بمعني نيكوكار ميان اين دو هم در مواضع خود تميز داده كه در كجا اسم است و در كجا وصف و اين كتاب ناميده شده است «بنجوم القران في اطراف الفرقان و من اللّه الاستعانه و عليه التكلان»

با نگاهي به نوشتة بالا نكاتي چند را مي‌توان دريافت:

يك دستورنامة نسبتاً مفصل برگه‌آرايي در اين صفحه ارائه شده است، به گونه‌اي كه احتمالاً مي‌توان بسادگي، هر شناسه‌اي را در اين كشف‌الآيات پيدا كرد. تلاش شده كه اين دستورنامه حتّي الامكان با كتاب (هاي) لغات آن زمان كه نام برده نشده مطابق باشد.

مهار واژگان در اين كشف‌الآيات رعايت گرديده، زيرا تلاش شده از شكل‌هاي موجود در كتاب (هاي) لغات آن زمان استفاده شود ـ اگر چه نامي از هيچ كتاب لغتي برده نشده است.

با استفاده از حروف برجسته، بخش‌هاي مختلف اين مفتاح از يكديگر جدا شده‌اند. عباراتي مانند «هركاه»، «و امّا» و غير آن‌ها كه با حروف برجسته مشخّص شده‌اند، نمايشگر آغاز يك بخش متفاوت از مفتاح هستند.

به نظر مي‌رسد كشف‌الآيات اين قرآن نيز حداقل از يك نظر، جديد باشد؛ زيرا در انتهاي كشف‌الآيات، خاتمة‌الكتابي وجود دارد كه در آن، كاتب ضمن ارائة جملاتي تبليغاتي دربارة اين كشف‌الآيات، به اين نكته نيز اشاره كرده كه در شماره‌گذاري اين كشف‌الآيات از روش نويني استفاده كرده است. بخشي از خاتمة‌الكتاب به شرح زير است:

**هو الله تعالي**

بتوفيق الله و حسن تأييده اين نسخة شريفه كشف‌الآيات در عشر ثاني شهر رمضان المعظّم سنة 1313 شرف اختتام پذيرفت اگر چه از ابتداي بروز و ظهور باسمه در ايران تاكنون نسخ متعدّدي طبع نموده‌اند و هركس باني طبع قراني شده در آخر نسخة خود كمال تعريف و تمجيد از تصحيح و تدقيق در مقابله و حسن خط نموده‌اند… با مزاياي ديگر كه باني مخترع ان كرديده از جمله فواصل مابين اعداد را از عوض نقطه خطّ موسوم به پرانتز كشيده زيرا كه غالباً نقطه ] كلمة بعدي به دليل قديمي بودن نسخه، قابل خواندن نيست. نگارنده[ اشتباه ميشد…

آن گونه كه از عبارات بالا برمي‌آيد تهيّه‌كنندة كشف‌الآيات معتقد است كه براي نخستين بار براي نشانه‌گذاري ميان اعداد سوره‌ها، از پرانتز استفاده كرده و آن را نوعي اختراع به شمار آورده است. نمونه‌اي از كشف‌الآيات كه با استفاده از پرانتز تهيّه شده در زير آمده است:

عقب

و يعقوب دوم 126

يعقوب حالت جري دوازدهم 6) 68

   نوزدهم 6

و يعقوب دوم 130 سيم 78

چهارم 161 دوازدهم 38

يعقوب حالت نصبي دوم 127

   يازدهم 74

و يعقوب دوم 134 ششم 84 نوزدهم 50

بيست و يكم 72 بيست و نهم 26

سي و هشتم 45

در بخشي از كشف‌الآيات كه در بالا نقل شده كلمة «يعقوب» به حالت جرّي، در سورة دوازدهم داراي دو مورد است كه با پرانتز از هم جدا شده ا‌ند و در آية 6 سورة نوزدهم، داراي يك مورد است. از نشانة پرانتز در اين كشف‌الآيات به فراواني استفاده شده است.

**نتيجه‌گيري و پيشنهادها**

بررسي كشف‌المطالب، كشف‌الآيات و جدول‌هاي ديگري كه در اين نسخه از قرآن نشان داده شده بيانگر اين نكته است كه سنّت نمايه‌سازي در جوامع شرقي اسلامي از ديرباز وجود داشته است. اگر چه اين نمايه‌ها كه با نام‌هاي گوناگون ساخته مي‌شده‌اند عموماً براي قرآن و ديگر كتب مذهبي تهيّه مي‌شده‌اند، امّا واقعيّت آشكاري كه نشان مي‌دهند اين است كه در آن جا كه علاقه‌مندي و اراده مطرح بوده ـ آن چنان كه در مورد قرآن مطرح بوده ـ با دست خالي و بدون داشتن ساده‌ترين ابزارهاي نمايه‌سازي، نمايه‌هايي چنين پيشرفته تهيّه مي‌شده است. اكنون با در نظر گرفتن اين واقعيّت كه هنوز بسياري از كتاب‌هاي چاپّي فارسي داراي نمايه‌هاي معمولي انتهاي كتاب نيز نيستند مي‌توان پرسيد كه با توجّه به گسترش پديدة نشر روميزي كه با استفاده از رايانه انجام مي‌شود و امكاناتي مانند گزينة Find در نرم‌افزار واژه‌پرداز «ورد» يا معادل آن در واژه‌پردازهاي ديگر، آيا نبايد با الهام از پيشينيان، نمايه‌هايي پيشرفته براي هر كتاب ارائه داد؟

**منابع**

**قرآن** / به خطّ محمّد صادق تويسركاني. ـ تهران: مطبعة عبدالباقي بن احمد تفرشي، 1313 ق.

معين، محمد، **فرهنگ فارسي**. ـ تهران: اميركبير، 1362، ج. 5